

الجزء  
الثاني

١٣١

٢٢١



٩



الجزء

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ

زود باشد که گم کند نادانان

مِنَ النَّاسِ يَأْوِلُهُمْ

از جمه برگردانند ایشان

عَنِ قَبْلِهِمُ الَّتِي

از قبل ایشان آن

الاول



الحمد لله

كَانُوا عَلَيْهَا قُلُوبًا

بودند

بر آن بیل بکوبی

لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ

مشرق و مغرب

مشرق

و مغرب

يَهْلِكُ مَنْ يَشَاءُ

هر که خواهد

از آن که خواهد







3  
 أَحْيَاهَا طَهَّرَ اَطْوَتْ طَانَهُ  
 زنده کرد زینت هرینه زلفه کرد آشفه مردگانست که او را زنده  
 موده را بناهاست  
 عَلِمَ كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ  
 هر چیز بر تواناست  
 الذِّنُّ يُلْحِقُ فِي آيَاتِهَا  
 انانک میکند در آیات ما  
 لَا تَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ  
 بنهان نکنند لای ما داریم بر ما  
 يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ  
 بینفلکند در آتش بهتر است یا لای  
 يَأْتِي آمَنَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
 بیاید ایمن شد روز قیامت  
 اَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ  
 بکنید امر توینح لای خواهد بود بدستی که او بدلیج میکنید  
 و تهمند دست



بَصِيْرَاتٍ الزَّيْتِ كَفَرُوا

کافر شدند

اناکل

بدستی

بیناست

بِالذِّكْرِ مَا جَاءَهُمْ<sup>2</sup> وَإِنَّهُ

و بدستی که ان

و هرگاه که بیامدشان

بقرات

لِكِتَابٍ عَزِيزٍ لَا يَأْتِيهِ

نیاید بوی

ارجمند

کتابیت

الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ

و ب

بینش

از

باطل

وَلَا مِنْ خَلْفِهِ ط تَنْزِيلٍ

است

فرستاده

بسی وی

از

ونه

مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ مَا يُقَالُ

نه گویند

حمید

حکم کننده

از خداوند

لَكَ الْاَمَّا قَلِيلٌ لِّلرَّسُلِ

مربیانند

بدستی گفتند

مکر

موتلا



۳۲  
۴  
أَوْ مُشْرِكَةً ۛ وَالزَّائِنَةَ لِأَيْمَانِهَا

یا ابناء کیونده را وزن زاینه نکلند شوی

الْآثَاتِ أَوْ مُشْرِكٍ ۛ وَحَرِّمَ

مکر مرد زاینه را یا ابناء کیونده را و حرام کرده نند

رَأَى عَلَى الطَّوْمَنِيتِ

این بر کریدگان

وَالذِّنِّتِ بِرَمُومِ الْمُحَصَّنَاتِ

و آنکسانک دشنام دهند پاک دامنان را

ثُمَّ يَا تَوَّأ يَا رُبْعَةَ شَهَاءِ

بسرب نیارند چهار کواه

فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَّانِيَّتِ بِجِلْدَةٍ

بس بزینل ایشانرا هشتاد تازیانه

وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا ۛ

و نمیدنید برای ایشان هیچ کواهی هرگز



وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

وایشانند ایشان بد مردان

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ

مگر آنکسانکه توبه کنند از پس

ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ

آن و اصلاح باز آیند پس بزرگوار است خدای

عَفُورٌ رَحِيمٌ

آمرزنده است و بخشاینده و آنکسانکه

يَرْمُونَ أَنْزِلْهُمْ وَهَلْ

دشنام دهند زنان خویش را و نه

يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ

بود ایشانرا کواهان مگر تنهایی ایشان

فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ

بسیار گواهی یکی از ایشان چهار

شهادت



شَهَادَاتٍ بِإِلَهِهِ  
 سو کند است خدای بدرستی که او

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا  
 از راست گویانست و بنجم گوید

أَنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ  
 که لعنت خدای برو باد اگر

كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ  
 هستند از دروغ زنان

وَيَذَرُ عَنْهَا الْعَذَابَ  
 و یازد از او عذاب را

أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ  
 آنکه سو کند خورد چهار سو کند

بِإِلَهِهِ لَمْ يَلِدْ  
 خدای اگر او از دروغ زنان است



وَالْخَامِسَةَ آتَ غَضَبَ اللَّهِ  
وینجم کوید که خشم خدای

عَلَيْهَا آتَ كَاتٍ مِنَ الصَّادِقِينَ  
برو باد اگر هست از راست گویان

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ  
و اگر نه فضل خدای بودی بر شما

وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ  
و بخشایش او و که خدای توبه دهنده است

حَكِيمٌ آتَ الزَّيْتِ جَاوِ  
و استوار کار بدستی که آنکس آنک بیا مزند

إِلَّا فَلَ عَصَبَةٍ مِّنْكُمْ لَا تُحْسِبُوا  
بدروغ اگر و بی از شما میندا ریدان

شَرَّ الِکْمِ طَبْلٌ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ  
که آن بات است شمارا بلکه آن بهتر است مر شمارا



لَكَ امْرِي مِنْهُ مَا التَّشْتَمِ مِنْ

مزهرد مردی است از ایشان لبح کار کرد از

الانتم والذی تَوَلَّی کِبْرَهُ مِنْهُ

بده وانگ برکست بیزرک منی از ایشان

لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ لَوْ لَا اِذْ سَمِعْتُمُوهُ

مرا و راست غفوبت بزرگ بمرانه جون شنیدند این دروغ

ظَنُّوا اَمْوَالُهُمْ مُّوْتَرَةً وَانَّهُمْ سَاءَ فِیْ سُلْبِهِمْ

کمان بنی و چنانکه کان کز بزرگ از مردان و در نزد بتهوا و خوش

خَيْرًا اَوْ قَالُوا هَذَا اَفْكٌ تُمْنِیْتُمْ لَوْ لَا

نیکی و گفتند اینست دروغ بیدا بمرانه

جَاءُوا عَلَيْهِ بِاَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاذْلَمُوا

ایند مرو بجهار کواهان بر جوبه

يَا اَقْرَبَ بِالشَّهَادَةِ اَوَّلُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ

ازد کواهان برایشانند نزدیک خدای



هَمَّ الْكَافِرُونَ وَلَوْ لَا فَضْلُ

ایشان دروغ گوینان اند

واکثر

فضایل

اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الشَّيْءِ

خدا بپسندی بر شما و رحمت او در این جهان

وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِيمَا آفَضْتُمْ

و در آن جهان هر آنکه بسودی شما در لطف در رسیدید

فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالْئِسَرِ

آنروز عقوقی برک چون آفکند اند از پناهی و خیرش

وَتَقُولُونَ إِنَّا هُمْ وَمَا لَيْسَ لَكُمْ

و میگویید برهنه ها و نیست لایق نیست مر شما را

بِهِ عِلْمٌ وَتَنْبِيْهُهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ

باز دانسته و ندادن آسان و اوست نزد

اللَّهُ عَظِيمٌ وَلَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ

خدا بزرگ و چنانچه چون بشنیدید از دروغ و

قلتم



هَلْ تَزِرُ وَازِكِرَتُكَ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ

بگفتند ستر اینست او را مالا که سخن گوئیم باین یاکی تراست

هَذَا بَهْتَنَاتٍ عَظِيمَةٍ يُعْظِمُ اللَّهُ

اینست دروغی بزرگ بزرگ بدهد شمارا خدای

أَنْ تَعُولُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا أَنْ كُنْتُمْ

که باز گردید مروتند و همی آرد هستنید

مُؤْمِنِينَ وَبَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِ

کریکات و بید کند خدای مر شمارا نشانیها

وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذُنُوبِكُمْ أَنْ يَنْبَغِي

و خدای داناست محکم کار هر اینه آنلسانک

تُخَبِّرُونَ أَنْ تُشِيرَ الْفَاحِشَةُ فِي الذَّنْبِ

دوست میداند که اشکارا شد ناشایست اندر انانک

أَمَّنُوا لَهُمْ عَذَابُ الْآلِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

بگویند مر ایشانراست عتوبی در دناک در این جهان و در لنگر جهان





وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

وخلای دانند و شما نمی دانید

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ

و اگر نبود فضل خدای بر شما و بخشایش او

وَأَنْتَ اللَّهُ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ

و هاینکه مدخلی هم می یابست بخشاینده ای

الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ

انگسنانک ایمان آوردید پس روی نکنید و سوسها

الشَّيْطَانِ ط وَهُمْ يَتَّبِعُ خُطُوَاتِ

دیوول و هر که پس روی کند دسوسها

الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ

دیوول پس هاینکه او می فرماید برشتها و کفر

وَأْمُرُكَ ط وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ

و بدلیج نهی کرد و اگر نبود فضل خدای بر شما

است



وَرَحْمَتِهِ مَا رَكِبَ مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ  
وَحشایش را و یا کبره نه شده از شما از یکی

أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ مِّنْ يَّشَاءُ  
هین و لیکن خدای یا کبره کند هر که خواهد

وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ وَلَا يَأْتِلُ أُولَٰ  
و خدای شنوایست دانا و نه سبوت کند خود

الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَزِيدُوا  
افزونی از شما و فراخی آن که بدهید

أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ  
خویشاوندان نزدیک را و مسکینان را و هجرین کنندگان را

فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا  
در راه خدای و عفو کنند و در گذرند

الْإِخْبُورَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ  
دوست دارید که بپامورد خدای مر شما را



وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ إِنَّ الدِّينَ

وحدایه امر زنده است بخشایند هرینه انانک

يُرْتَمُونَ الْمَخَصَّنَاتِ الْخَافِلَاتِ

طعن میکنند زنان با ریسای بی خیالات

الْمُؤْمِنَاتِ لِحُجُوبِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

زنان کرویله لعنت کرده اندین جهان وان جهان

وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ

و مرا ایشان راست عقوبتی بزرگ از روز گواهی دهند

السَّادَةِ وَأَيُّهُمْ وَأَرْجُلُهُمْ مَكَانًا

زبانها و ایشان و دستها و ایشان و پایها و ایشان

يَعْمَلُونَ يَوْمَئِذٍ يَتَوَفَّيهِمُ اللَّهُ

میکردند از روز که تمام کند شان خدا

دِينَهُمُ الْحَقُّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ

دین ایشان راست و می دانند که هرینه حقایق اوست



الْحَقِّ أَطِيبَ الْخَبِيثَاتِ لِلْخَبِيثَاتِ

است پیدا زنان بلیه کار مردان بلیه کاردا

وَالْخَبِيثَاتِ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتِ

و مردان بلیه کار مردان بلیه کاردا و زنان پاک و پاکیزه

لِلطَّيِّبَاتِ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

مردان پاکیزه و مردان پاکیزه و مردان پاکیزه

أُولَئِكَ مَبَرَّاتٌ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ

امشاید بیزار کرده شدگان از لجن میگویند مرایشانراست

تَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

امتش روزی بر دل ای امانک امانک

آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ

یکدیگر در بروند در خانه ها جز خانه ها و خویشان

حَيْثُ تَسَارِعُونَ وَتَسَارِعُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا

تا اجازت کنید و سراسیمه شوید بر اهل آن خانه



لَكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ  
 این تان بهتر خاها و خویش تا شاید که شما  
 فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعَ أَكْثَرَ وَلَا تَجِدُوا فِيهَا  
 پس آید نیاید در آن یکی پس در هر دو یک  
 حَتَّى يُؤْزِلَكُمْ <sup>2</sup> وَازِيلَكُمْ أَرْضَهُمْ  
 تا رستور بی دهند و اگر کفر شوند و اگر کردید  
 فَأَرْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا  
 پس باز کردید اوست بالیه و خدای بدی  
 تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ <sup>3</sup> لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ  
 میکنند داناست نیست بر شما بدی  
 أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتَ غَنٍّ مَسْكُونَةٍ  
 در فرایید بخاها خستنده ساکن شده  
 فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ  
 در آن بر خورداری مواظبا و خدای میداند

شود



حَزَتْ لَكُمْ فَأَتُوا حَزَّتُمْ  
 کست نارند مرشاد بس بیاید یکست نارخیز  
 ابی شیعتم و قَلِمُوا لِنَفْسِكُمْ  
 هر جلونی خواهد شما و بیست فرسید مرتها و خویش  
 وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ  
 و ترسید خدایا و بدیند که شما  
 مَرَاتِقُهُ وَ تَشْرِاطُوهُ مِنْبِتْ  
 بر سید بوی و منزه د کروی کاترا  
 وَ لَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً  
 و نه کنید نام خدایا باز دارند و بهانه  
 لَإِيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَ تَتَّقُوا  
 مد سوکندان خود را که نیگوئی کنید و برهیز کای  
 وَ تَصِلُوا إِلَى النَّاسِ  
 و اشتی کنید میان مردمان



وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ لَا يُوَاخِلُهُ

و خداست شنواست دانای بزرگ شمار

اللَّهُ بِاللَّخْوِ فِي إِيْمَانِكُمْ

خداي بنادر بسته ایمنی در میان شما

وَلَكِنْ يُوَاخِلُهُ بِمَا كَسَبَتْ

ولیکن بکسیرد تا آنکه بداند چه کسب کرده

قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ

دلها و شما بعدی و خدا بی مروت و بخشنده

لِلَّذِينَ يُولُوا مِنْ

مرا آنکسانرا که سوارند خورند از

نَسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ

زمان خویش بایستن یا بد چهار

أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ

پس اگر باز گردند پس هاینه خداست ۵۶



عَفْوٌ رَّحِيمٌ • وَإِنْ عَزَمُوا

امضای است بخشایند و اگر اصرار کنند

الطَّلَاقِ فَإِنَّ اللَّهَ

بطلاق افکند بر هر دینی حجابی

سَمِيعٌ عَلِيمٌ • وَإِذَا طَلَقْتِ

شنواست دانا و زمان طلاق داده شد

يَتَرَبَّصَّتْ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ

پیماند مرتبه ها و خویش سه

قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ

در نمازی و حلال نباشد برای ایشان که

يَكْتُمُوا مَا خَلَقَ اللَّهُ فِيهِ

پنهان کنند آنچه آفرید خداوند اندک

أَرْحَامُهُنَّ أَنْ يَكُنَّ يَوْمَ

زهد آنها ایشان اگر جنایت بکردارند



بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ط

بخدا و روز باره سین

وَعَوَّلَتْ أَحَقَّ بِرَأْسِهَا

و پیوسته ایستاد سر او بر سر

فِي ذَلِكَ إِنَّكَ إِنْ أَرَادْتَ إِصْرًا

آنکه اگر خواهی عجز کاری

وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ

و برایشان همچنانکه برایشان

بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ

بنیکوئی و در مردان برایشانست

رَبِّهِ ط وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

باریکامی و بخداست عزیز دان

الْأَطْلَافِ مَرَّتَيْنِ فَاَمْسَاكُ

طواف دو بار است یعنی اقلید بستن باید در دست  
طواف دو بار است و ایستادن معروف

طواف

ع



بِمَعْرِفٍ أَوْ تَسِيحٍ بِاِحْسَانٍ  
 وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا  
 مِمَّا آتَتْكُمْ هَبْ شَيْئًا  
 إِلَّا أَنْ تَخَافَا أَنْ لَا يَقِيمَا  
 حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ  
 أَنْ لَا يَقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ  
 فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ

پس قیمت بزه برایشان بجز آنکه باز بخرند



بِه تِلْكَ حَذَرُ اللَّهِ قَلَا

بدان است این حذراء خدای بس

تَخْتَلِفُهَا وَهِيَ يَتَعَدُّ

مکدرید وهر که اندر کرد

حَذَرُ اللَّهِ فَأُولَئِكَ

حذراء خدای بس ایشانند

هُمْ الظَّالِمُونَ فَإِنْ

ایستاد متمکارات بس لکر

طَلَفَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ

طلاق دهد مراد بس حلال نباشد مراد از بس

بَعْدَ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا

بعد طلاق تا نکند سوگی دیگر جز او

غَيْرَ فَإِنْ طَلَفَهَا فَلَا

بس لکر طلاق داد مراد بس نیست

ضاح



جَنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا

بله برایشان هر دو که بیکدیگر بازگردند

أَنْ ظَنَّا أَنْ يَغْفِرَ لَنَا

آلای و اند که بپای دلبرتد

حَذَرُوا اللَّهَ ط وَتَلَكَ

حذاهای خدای و است

حَذَرُوا اللَّهَ يَبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ

حذاهای خدای که بیداردارا مرگ و میاید

يَخَامُوتُ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ

که بدانند و جوت طلاق دهد

النِّسَاءَ فَبَلَغْتَ لِبَاحِلِهِنَّ

زنانرا پس بر سندی عذمتها و خودرا

فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ

پس بدارید ایشانرا بنکویکی



أَوْ سِرِّهِمْ هُمْ يَسْمَعُونَ

یا کسیانند یا ایسان <sup>بنیگوئی</sup>

وَلَا تَسْكُرُوا لَهُمْ ضِرًّا

و مدارید ایشانرا <sup>زیات کاری</sup>

لِتَغْتَابُوا وَمَنْ يَفْعَلْ

تا ستم کنید <sup>دفعه</sup> <sup>یکند</sup>

ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ

بسی بدستی ستم کرد <sup>بیتوا</sup> <sup>بر وقت خود</sup>

وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ

و مگیرید <sup>اینها</sup> <sup>حلالها</sup>

هَزُوءًا وَانْكَرُوا نَجْمَتِ

با مسوس <sup>و یای کنید</sup> <sup>نجمت</sup>

اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ

ای <sup>بر خویش</sup> <sup>واجب</sup> <sup>فرزستاید</sup>

علیکم

آن



عَلَيْكُمْ مِمَّا فِي الْكِتَابِ

از کتاب

بر شما

وَالْحِكْمَةِ بِحَضْرَتِهِ

بدان

بندادهد شما را

وحکمت

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا

و بدانید

خدایا

و بترسید

أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ

جاری

بهر چیز

خدای

که

عَلِيمٌ وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ

زنان را

طلات دهید

و چون

داناست

فَبَلَغْتَ أَجَلَهَا فَلَا تَحْضُرْ

ایشان را

بست

عده آنها و خویش را

بست

بار ملازمت

بست بر سندان

أَنْ يَنْكِحَنَّ أَرْوَاحَهُنَّ

شویات خود را

شوی کنند

که





اِذَا تَرَاظُوا بَيْنَهُمْ بِالْعُرُو

جون یکدیگر خشنود میان خود بشکوی

رَايَ يَوْعَظُ بِهِ مَنْ

اینست یکدیگر میدهند بد هر که

كَانَ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ

باست از شما بگردد

يَا لَهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

بخدا و روز باز پسین

رَايَكُمْ اَنْزِي لَكُمْ وَاُظْهِرُ

اینست مان فراسده بر روشنار و بال بر

وَاللَّهِ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

و خدایان بداند و شما نمی دانید

وَالْوَالِاتِ يَرْصَعْنَ

شیر دهید

و ملازمان



أُولَٰئِكَ حَوْلَتْ كَامِلَاتٌ

فرزندان خویش را در ساد تمام

لَمْ تَرَ أَرَادَاتِ يَتَمُّ الرِّضَا

مرا ندیده خواهی تمام کند مدته رضاع

وَعَلَىٰ أَطْوَأُ لَهُ رِزْقُهُنَّ

و بر آنکس که فرزند مراد است روزی ایشان

وَكَيْسَ وَتَهَتْ بِأَلْمَعْرِوفِ

و چاهها ایست بیکوئی

لَا تُكَلِّفُ نَفْسُ إِلَّا وُسْعَهَا

آنکه نخواهند از تنی مگر تواناییات

لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بَوْلُهَا

نویان تضارند مادرش بفرزند خود

وَلَا مَوْلُودُهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَىٰ

و نه آنک فرزند مراد بفرزند خود

است



الْمَارِثُ مِثْلُ ذَلِكِ

میراث موار هجما کزید یعنی نفقه

فَإِنْ أَرَادَ فِضَالًا عَنْ

بس لک خواهند فرید سیر یا کردن از

تَرَاثٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوَرًا

خسودی از ایشان و مشورت کردن ایشان

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا طَوَاتٍ

بس نیست بلف برای ایشان و اگر

أَذْنَمُوا أَن تَشْتَرِضَ حَقًّا

خواهند شما که شری دهند

أَوْ لَأَمْرًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَ

فرندان خود بس نیست بلف شما

إِذَا سَأَلْتُم مَّا أَتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ

چون بسایید لخی بلادید بشکویید



وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ

و بترسید و خدا را و بدانید که

اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

خدا به بدی و بدی می بیند و می ناست

وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ

و آنانی که می روند از شما

وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ

و باز گذارند زنان را بپایند ایشان

بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ

چهار ماه چهار

وَإِذَا بَلَغَ أَجَلُهُنَّ

و اگر روز برسد بعد از چهار ماه

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْتُمْ

بر شما نیست بدی بر شما انداختن بکنند



فِي أَنْفُسِهِنَّ بِاطْمِعَافٍ  
 وَاللَّهُ بِهِمَا تَعْمَلُونَ خَيْرًا  
 وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا  
 عَصَيْتُمْ بِهِ مِنْ خَطِيئَةٍ  
 الْإِسَاءِ أَوْ أَكُنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ  
 عَالِمًا اللَّهُ أَنْكُمْ سَتَذَكَّرُونَ  
 وَلَكُمْ لَا تَوَاعِدُ وَهَذَا

اندک  
 بکها و نویست  
 به بنیکوی

و خدای  
 بدای  
 میکنید  
 اکاهست

و نیست بد  
 بر شما  
 اندک بد

نمای  
 کنید  
 بود  
 از  
 بر

زنان  
 با  
 یتها دارید  
 اندک

دان  
 خدای  
 که شما  
 زود یاد کنید  
 ایشان

ولیکن  
 و عده جماع منهد با ایشان بود



لَا آتِ تَقُولُوا قَوْلًا مَّعْرُوفًا

مگر آنکه بگویند گفتنی نیک

وَلَا تَعْرِضُوا عَقْدَةَ الزَّكَاةِ

واهل کمیند نیست زکات

حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابَ

تا برسد نامه

أَجَلُهُ ۖ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

ایجاب پیش و براند که خدای

يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ أَنفُسَكُمْ فَاتَّخِذُوا

بداند آنچه اندک تنهای شماست پس مژ سبیل از وی

وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَظِيمٌ

و بداند که خدای امر کاست

حَلِيمٌ ۚ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن

بر دربار نیست بد بر شما که

ح



طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَكُمْ بِهِنَّ

طلاق دهید زنانرا ازگاه که نشود

أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فِرَاقًا

یا بر له ایست برایشانرا بدید کردی

وَمِمَّا حَوَّهْتَ عَلَى الْمَوْسِعِ

و منع دهید ایشانرا

قَلِيلًا وَعَلَى الْمَقْتِرِ قَلِيلًا

اندازه وی و بر

مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا

منع دادی

عَلَى الْمُحْسِنَاتِ وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ

نیکوکاران

مَتَّ قَلِيلًا تَمْسُوهُنَّ

بسیار از آن بکشید ایشانرا



وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً  
نُصِفَ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ  
يَخْفَوْنَ أَوْ عَفْوُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْ  
عَقْدَ الزَّكَاةِ وَأَنْ تَعْفُوا  
أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَشْتَوْا  
الْفَضْلَ يَنْتَكُمُ هَاتِ اللَّهُ  
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

در سنی که اندک کرده  
مرا بستاند  
اندازه کردی

بسیار بتمه  
لج اندازه کردی  
مگر آنکه

آنکه در آید و بخواند یا اندک دارد  
آنکه بدست او است

بند  
زکات  
و نه  
آنکه در آید

نزدیک تر است  
بپرهیزگاری  
و قراوش نکنید

افزودنی  
میان شما  
خدای

بدلج  
می کنید  
بیناست



حَافِظُوا عَلَي الصَّلَواتِ

نمازها را قریب و نگاهدارید

وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقَوْمَهَا

و نماز میانکی و بپای ایستند

لِلَّهِ قَامِمِينَ فَإِنْ خِفْتُمْ

مرد خدا را بنا بر حیوانات بس لکم بسید از دشمن

فَرَجَلًا أَوْ كَسِبَتْكُمْ فَأَزِمْ

بس بیارگان یا سواران بس جوت ایمن کرد

فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم

بس یاد کنید خدا را جناح پیامورانید

مَّا لَمْ تَكُونُوا تُخْاضِعُونَ

لنم بودید که یاد بند

وَالَّذِينَ يَتَوَقَّوْنَ مِنْكُمْ

و آنانکه بهمیرند از شما



وَيَذُرْفَتْ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً

و دست باز دارند از زنان یعنی وصیت کند وصیت

لَا زَوَاجَهُمْ مِّنْأَعْمَالِهِمْ

مردمان خوش نشانی بخورد از عیال

الْحَوَافِ غَيْرِ اخْرَاجَ قَاتِ

یکسال برون آوردن یعنی بسال از خانه شوی

خَرَجَتْ فَرَا جَنَاحَ عَالِيكُمْ

بیرون روند بس نیرت بلند بر شما

فِي مَا فَعَلَتْ لِي فِي أَنْفُسِهِمْ

در آنچه کردند اندر منتهای خویش

هِيَ مَعْرِفُفٌ وَاللَّهُ

از نیکویی و خدای

عَزِيزٌ حَكِيمٌ وَالْأَمْلَاقُ

ارجمندست صواب کار و مردمان طلاق داده



مَشَاءٌ بِأَمْرٍ عَلِيٍّ حَقًّا عَلِيٍّ

بیکوسته واجب است بر

الْمُتَّقِينَ عَذَابُكَ يَبِيتُ

بر هیز کاران همچنین

اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ

خدای برای شما نشانیها و حجتها تا ملاحظه

تَعْقِلُونَ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ

ای افتید اخبر نگردند ترا سوی انکسان

خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ

بیرون آمدند از سرایها و خود و ایشان

أَلَوْفٌ حَذَّ الْمَوْتِ

هزاران بودند از بیم مرگ

فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مَوْثِقًا

پس گفت مرا ایشانرا خدای

نم



ثُمَّ أَخِيَاهُمْ <sup>پس باز</sup> <sup>منته که دایله شان</sup> <sup>خدا</sup> <sup>که</sup> <sup>مردمان</sup> <sup>و لیکن</sup> <sup>هر این</sup> <sup>خداوند آفریده</sup> <sup>مردمان</sup> <sup>بیشتر</sup> <sup>سیاس داری نکنند</sup> <sup>و قاتلوا فی</sup> <sup>و کارزار کنید اندر</sup> <sup>سبیل الله و اعلموا</sup> <sup>راه خدای و بدانید</sup> <sup>ان الله سمیع</sup> <sup>که خدای شنواست</sup> <sup>علیم</sup> <sup>دانا</sup> <sup>مکیست از کس</sup> <sup>الذی یقرض الله</sup> <sup>وام دهد</sup> <sup>و ابرای</sup> <sup>و اضعافا</sup> <sup>که</sup> <sup>حسنا فیضا عقه له</sup>

نیکو پس یکی بدو کردند انرا <sup>و کد ادوات</sup> <sup>و صمدان</sup>



كثيرة ط وَاللّٰهُ يَقْبِضُ

بسیار و خدایه تنگ کرداند

وَيَسْطُرُ ض وَالْيَه تَرْجِعُونَ

و قراخ کرداند و سوي او باز کردند شمارا

الْم تَرَالِي اَمْلَانِ

اند بدي لي محمد سوي كره مهنزان از

بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ عَدُوِّ

بسران يعقوب از بسب

مُوسَى إِذْ قَالُوا إِنِّي لَهُمْ

موسي جون گفتند مريدان ميري دي كه مرايشا بود

أَبْعَثْ لَنَا مَلِكًا يُقَاتِلُ فِي

بفرست مارا بادشاهي تا كار زر لر لنيهم اندك

سَبِيلِ اللَّهِ ط قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ

اره خدایه گفت اشمويل هست كه حويطي كنيد شما ان



إِنْ كُنْتُمْ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ

اگر بنشسته شود بر ایشان کارزار

إِنْ لَاتَقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا

که کارزار نکنید گفتند و چه

لَنَا أَنْ لَا نَقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

ما که کارزار نکنیم در راه خدای

وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا

و چون از سرزمین ما از سران

وَأَمْنَانَا فَلَمَّا كُنْتُمْ عَلَيْهِمْ

و سران ما پس چون بنشسته شد بر ایشان

الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ

کارزار برگشتند مگر اندکی از ایشان

وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

و خدای داناست بستمکاران



وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ

قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ

مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ

لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ

أَخْفَ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ

يُؤْتِ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ

قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ

که گفت میزید او را

علم



عَلَيْكُمْ وَزَادَ بَسْطَةً فِي  
 الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي  
 مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ  
 وَاسِعٌ عَلِيمٌ وَقَالَ لَهُمْ  
 نَبِيَّهُمْ أَنْ آيَةً مَلَكِهِ  
 أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ  
 سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ

از انشی است از خدای شما و باز ماندن  
 از انشی است از خدای شما و باز ماندن



مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ

از آنج که دست بازدا بس روان موسی و اهل

هَارُونَ ثُمَّ لَهُ اِمْلَئِكَةٌ

هاروت برد استند از آن فرشتگان

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةٌ لِّمَن

در امیر تلوت نشانی است موشان

اِنَّ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ فَلَمَّا

اگر هستید شما کرویبل کان پس چون

فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ

بیرون آورد طالوت لشکرها

قَالَ اِنَّ اللّٰهَ مُبْتَلِيْكُمْ

بگفت که خدا به از امده آید

بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ

است شکرانه

بجوی بر همه نجر از

فلیس



فَلَيْسَ مِنْ مِيَّتٍ وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ

بست نیست از میت و هر که نخورد از آن جوی

فَأَنَّهُ مِنْ مِيَّتٍ الْأَمَنُ اعْتَرَفَ

بسا او از نیست ملکی انکس که بدست برد

عُرْفَةً بِبَيْتِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ

برداشتند از خویس بست بخوردند از او

الْأَقْلَبُ لَا مَنَّهُمْ فَأَمَّا جَاوِدُ

ملکی اکثر از ایشان بسجود بدست از آن جوی

هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

او و آنانی که او با او

قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ

گفتند نیست توانایی ما امروز

بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ

بجالت و لشکرهاوی گفتند



الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ  
*اما آنک* *يکمان بودند* *لجما الیمنک*

مُلاقُوا اللَّهَ مَتَّ فِيهِ  
*رستند اند* *خدای عروج بند* *از کرمی*

قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً  
*انک* *غالب شدند* *کرمی* *بسیار را*

بِأَيِّ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ  
*بفرات* *خدای* *و خدای* *با*

الصَّابِرِينَ وَلَمَّا بَرَزُوا  
*شکیبا یا نیست* *وجون* *بیرون شایک*

لِلْمَأْوَتِ وَجَنُودِهِ قَالُوا  
*مدح الموت* *و لشکرها و اورا* *گفتند*

رَبَّنَا افْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا  
*ایه خدایون و دوسر* *بر ما* *شکیبا یی*

*و شست*



قَالَ قَرِيبٌ أَجِيبْ رَعْوَةً

هوانه من نزدیک باسند خوانند

رَأَى إِذَا دَعَا فَلَيْسَتْ جَبِیْوَا

خواننده را چون بخواند مرا پس باسند کنید

إِلَى دَلُومَنُوا فِي لَعْلَهُمْ

مرا دهان بگردد من نامک ایشان

يُرْشَدُونَ أَجَلُكُمْ لَعْلَةً

راه راست یابند خلال کرده شد مرشدا در شبهای

الصَّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نَسَائِكُمْ

روز ماه رمضان مجامعت کردن سوی زنان خویش

هَتَّ لِبَاسُكُمْ وَأَفْتَمَ

ایشان پوششاند مرشدا و شما

لِبَاسُ لَهُمْ عِلْمُ اللَّهِ أَنْكُمْ

پوشید مرایشانرا دانست خدای که شما



كُنْتُمْ تَخْتَالِفُونَ أَنْفُسَكُمْ

همی

حیات کردید

تفاوت خود

فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ

پس توبه را در پیش روی خود گرفت و اندر گشت از شما

فَالآت بِأَشْرَوْهِنَّ وَاتَّخُوا

پس التور مجامعت کنید با ایشان و بخورید

مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ فَاكُلُوا

لنخ قضا کرد خدای مر شما را و بخورید

وَأَشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ

و بیاشناید تا بیاید آشوب

الْخَيْطُ الْأَيْضُ مِنَ الْخَيْطِ

نشان سبیل از نشان

الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَيْضِ أَثَرُ

سیاهی سیب از

سبیل از سیب یعنی پس تمام کنید صح صلات



الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ لَا تُبَاشِرُوهُنَّ

روزه را تا شب و جماعت

وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ

و شما معتكف باسید اندر مسجد ها

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا

انیت باز دهنها بخلافی بس نزدیک مشوید

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ

مجهنین بید کند خلاصی نشانیها خود

لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

مردمان را تا مگر ایشان خویش را بزرگوارند

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ

و مخربید خواستاهای خویش میان خویش

بِالْبَاطِلِ وَتُدْخِلُوا بِهَا إِلَى الْحُكْمِ

بناشایست و میرید شما آنرا سوی حاکمان



لَتَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ

خواسته

از

در

نمایند

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلٌ

همه

در

بر

مردمان

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْآهْلِ

دینک ماهما و قیل از ماه

از

یہ بر مندل ترا بی محمد

قُلْ هِيَ مَوَاقِفُ النَّاسِ وَالْحُجُجِ

مردمان و حج

و قتهاست

بگوید محمد آن

وَلَسَ الْبَرَّاتُ تَأْتُوا الْبُيُوتَ

خاها

بیایید

بدانک

نیکی

و بیست

مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ

نیکی نیست

دلکین

بسته

از

مِنْ أَتَتْهَا وَأَتُوا الْبُيُوتَ

و میاید خاها

به بر عین از ماشا

بسته



مِنْ آبَوَائِهِمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ

از دره‌ها، ایشان روستا سید از خدای

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ وَقَاتِلُوا

تا مگر شما برهید از عذاب می کارزار کنید

فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفْتُلُونَكُمْ

در راه خدای با آنکسان که کارزار کنند

وَلَا تَحْتَفِظُوا إِنَّا اللَّهُ لَا يَمُوتُ

و نه از حد گذرد که خدای دوست ندارد

أَمْحَتَكُم بِأَقْبَابِهِمْ وَقَاتِلُوهُمْ حَيْثُ

از حد گذرد که آنها و بکشید ایشان را هر جا

تَقَعُوا مِنْهُمْ وَآخِرُ جَوْهَرِهِمْ

بیایدشان در محل و ختم و بیرون کنید ایشان

مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمُوهُمْ وَالْفِتْنَةُ

از اینجا بیرون بیاورید آنان و کافری



أَشَدُّ مِنْ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ

دستخیزتر از کشتن و کارزار نکنید با ایشان

عِنْدَ أَطْشَادِ الْحَرَامِ حَتَّى

نزد اشرار حرام محلت تا

يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ

کارزار کنند با شما در او یعنی پس اگر کارزار کنند با شما

فَاَقْتُلُوهُمْ كَمَا كُنْتُمْ جُنَاةٍ

پس بکشید ایشان را همچونین بادا

الْكَافِرِينَ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ

بازایستند پس اگر

اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ وَقَاتِلُوهُمْ

بارویدگان

و کارزار کنید با ایشان

حَتَّى لَا تَكُونُوا فِتْنَةً وَيَكُونَ

امتنه است بخشد خدای تا

نیاشد دغا مندی و بیاشد و مانند



الَّذِينَ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا

وینت منتهی را باز ایستند

فَلَا عُدَّةَ لَكُمْ إِلَّا إِلَى الظَّالِمِينَ

نمست از حد اند کفرتن مکر بر ستم کاران

الشَّهْرَ الْحَرَامَ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ

جون کار حرام کند حرام کار و لو کن با ایشان حرام

وَالْحُرُمَاتِ قِصَاصٌ فَمَنْ

و حرامها بر اینست بر هر که

اَعْتَدَ عَلَيْكُمْ، فَاَعْتَدُوا

از حد اند که کرد بر شما پس از حد که کردید

عَلَيْهِ مِثْلَ مَا اَعْتَدَ

بر او همچون آن که کردست از حد در کردست

عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا

بر شما و ترسید از خدا و بدانید



إِنَّا لِلَّهِ سَخِ الْمُنْعَبِ وَأَنْفَعُوا

که خدای برهیز کارانست و هیزنه کبیر

فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ

انک راه خدای و انک میفکنید بدستهای خود

إِلَى التَّهْلُكَةِ وَاحْسِنُوا

بسوی هلاک کین و نیگوئی کین

إِنَّا لِلَّهِ حُبِّ الطَّحْسِنِ

که خدای دوست میلک نیگو کارانرا

وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ

و تمام کنید حج و عمره مر خدا را

فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ

اگر از درند شمارا پس آنچه آسان شود

مِنَ الْمَالِ وَلَا تُلْقُوا أَرْسُلَكُمْ

از تیرهای سرها و خیزش



حَتَّى يَبْلُغَ الْهَلَاكِ مَحَلَّهُ

تا برسد قریای بجایگاه کشتن

فَمَنْ كَانَتْ مِنْكُمْ مَمْنُضًا

یس هر که باشد از شما بیمار

أَوْ يَهْ أَذَى مِّنْ رَّأْسِهِ

یا نوی رسد از آری از سر او

فَفَلَاكِهِ مِّنْ صَبَامٍ أَوْ صَافَةٍ

س فلان که روز دلشش یا طعام مکر در پیشان او

أَوْ نُسْكٍ ط فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ

ا تو شک است که ایمن شدی پس هر که

تَمَنَعَ بِالْعُمُرَةِ إِلَى الْحَيَاةِ فَمَا

بستد بپای عمر به ایمنی

اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَلَاكِ فَمَنْ

است ایمن شد از قریای یس هر که



مُرَجَّبٌ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ

ندارد و نیاید پس روزه دلستان است بروی روز

فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٌ إِذَا رَجَعْتَ

در حج و هفت روز بجهت باز آمدن

بِلَاكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ

است ده روز تمام این

بِمَنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا حَاضِرٌ

مرا آنکس است که باشد کسهاوی باشد کان

اَلْمُسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ

مرا آن مسجد حرام و بترسید از خدا

وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

و بدانید که خدا سخت است عتاب

الْحَجَّ أَشْهَدُ مَخْلُوقَاتِ فَمَنْ

حج را شاهد ماخلوقات فمَنْ

ماهم است دانسته و آن شوال و ذوالقعدة و دهه ذی الحجه است

فَرَضَ

ع



غَفُورٌ رَحِيمٌ • فَإِذَا قَضَيْتُمْ  
مَنَاسِكَكُمْ • فَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ  
عَلَيْكُمْ • آيَاتِهِ أَوْ أَشِدَّ  
ذِكْرًا • فَمَثَلُ النَّاسِ مَثَلٌ  
يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا  
وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ •  
وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ رَبَّنَا

امریزه است بخشایند پس چون بگذرایند

کارها حج ثبات پس یاد کنید خدا را

مجموع یاد کردن بدین خود را یا سخت تر

یاد کردنی پس آن مردمان کسی است

که گوید ای خداوند بده ما را در این جهان

و نیست مراد از این جهت از بهر

و از ایشان کسی است که گوید ای خداوند

اشد



آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

بله مارا اندرین جهات نیکی دران

الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ

جهات نیکی و زکهار از عذاب

النَّارِ أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ

اتر دیت ایسانند مرایشان بهر

مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

از آنچه کردند از طاعت و خداوند رودست شمارا دیت

وَأَذْكُرُ اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَةٍ

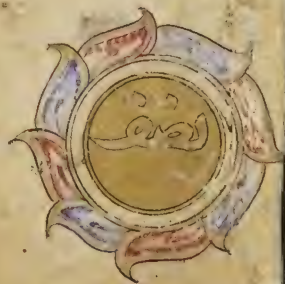
و یاد کنی در روزهای معدود

مَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا

بهر که بشتابد در دو روز پس بشت

إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَإِنَّهُ

بهمه بروی و آنکس را که باز آیند پس بشت





عَلَيْهِ لَبَّ اَتَيْتُ وَاتَّقُوا اللَّهَ

ربی مرا کس را که بر هیئت و ترسید خلایل

وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُشْرَفُونَ

و بدانید که شما را سوی او گردانند

وَمِمَّنَ النَّاسِ مَن يَخُوعُ

و از مردمان که خوش آمدن را بی محمد

قَوْلَهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

گفتار او آنکه زندگانی این جهان

وَيَشْهَدُ اللَّهُ عَلَيْهِ مَا فِي قَلْبِهِ

و گواه آن که در دل و است

وَهُوَ الَّذِي يَخْصِمُ إِذَا تَوَلَّى

و اوست که می کشد بکار و خون باز گردد

سَبْعَ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا

هفت بار در زمین تا تباه کاری در آن جای کند



فَمَهْلِكُكَ الْحَزَنُ وَالنَّسَا

وهمال کند بزکری یعنی گشت و پیر زاده

وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْفَسَادَ

وخلای دوست ندارد تباہ کاری را

وَلَا يَأْتِيهِ أَهٌوَائُهُ

وچون بر سبیلش نیاید مراد او را بخت

أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ

بگیرد او را ستم و محبت بد

جَهَنَّمَ وَلَيْسَ الْمُهَاجِرُ

دو رخ و هارینه بد گسزدش است

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي

و از مردمان کسی است که نفوذ

نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ

نفسه

خویش را جستن خشنودی خدای

والله



وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ

وخلایه مهر داشت بندگان لبی

الَّذِينَ آمَنُوا وَادْخُلُوا فِي

افکسانکه بگویند اندک اندک

السَّلامِ كَافَّةً وَلَا تَسْجُدُوا

راستی چون مسلمانی همه در سراج و بس روی نکنید

خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ

بر اثر رفتن دیو که او

لَكُمْ عَلَيْهِمْ هَيْبَةٌ فَإِنَّ

بر شما را دشمن بیدار بس آید

زَلَّاتُكُمْ يَخْلِي مَا بَيْنَكُمْ

بلغزید از بس آنک بیاورد تا آنرا

الْبَيِّنَاتِ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

ججتها بس بلانید که خدایه



عَزِيزٌ حَكِيمٌ هَلْ نَنْظُرُهُ

ارجمند است استوار کار نه بینند

الْآثَاتِ بِأَيِّهِمُ اللَّهُ فِي

مگر که بیايد براي شان فرمان خدای در

ظُلُمٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةِ

سایهها از ابر و فرشتگان

وَقَضَى الْأَمْرَ إِلَى اللَّهِ

و کار را ده شود کار و سوي خدای

تَنْجِخِ الْأُمُورِ سَلَّمَ بِجِبْرِائِيلَ

باز کرد امورها کارها بسرای محمد بسلامت یعقوب

كَأَيُّ شَاهِدٍ مِّنْ آيَةِ بَيِّنَةٍ

چند دادم ایشان از نشانی بیلا

وَمَنْ يُّؤْتِكِ نِعْمَةَ اللَّهِ

و هر که بگرداند دین خدای از



يَحْكُمَ مَا جَاءَهُ فَإِنَّ اللَّهَ

یس آنک بیامد اورا پس که خدای

شَهِدَكَ الْعِقَابِ زَيْنٌ لِلذِّنِّ

سخت است عقوبت او بسیار استند مرانان

كَفَرُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَسْتَكْبِرُونَ

که نکر و یدند ترند کاین ایمن جهان واقسو سرکنند

هَتِ الذِّنِّ آمَنُوا بِالذِّنِّ

از آنانک بگردیدند و آنکسانک

اتَّقُوا هَؤُلَاءِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

برهین گردند زیر ایشان روز استخفین

وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِخَيْرٍ

و خدای رونی دهد هرکس خواهد

حِسَابِ كَاتِ النَّاسِ أُمَّةٌ

شمار بودند مردمان یک کره



وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ

وقت ابراهیم علیه یس بفرستای خدای پیغامبران

مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ

مژده دهندگان و بیم کنندگان و فرو فرستاد

مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ

با ایشان نامه بر راستی تا از او باشد

بَيْنَ النَّاسِ فَمِنْهَا اخْتَلَفُوا فِيهِ

میان مردمان اندک اختلاف کردند در وی

وَمِنْهُمْ اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الذِّمَّةَ

و اختلاف نکردند اندک مگر آنکه

أَوْ تَوَاقُفَ مِنْ بَعْضِ مَا جَاءَهُمْ

دارند شانرا از بعضی آنکه بامر ایشانرا

الْبَيِّنَاتِ بَعْثَاءُ بَيْنَهُمْ فَمِنْهُمْ

اقتضای کردند میان ایشان پس راه نمود جنتها

الله



اللَّهُ الَّذِي بِيَدِهِ مَصِيرُ الْخَلَائِقِ  
فِيهِ مَعْرِفَةُ الْحَقِّ وَهُوَ اللَّهُ  
يَهْدِيكَ سُبُلَ سُبُلِ صِرَاطِ  
مُسْتَقِيمٍ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا  
أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدًا  
خَلَوْا مِنْ قُلُوبِكُمْ مَسْتَهْمِكُمْ  
الْبَاسَاءُ وَالضَّالُّونَ وَزُلُوفُ

خدایه انانرا که بگرداند بلیغ اختلاف از حق

در او از راستی یقین و خدای

راه راست نماید هر که خواهد سویی راه

راست یا بنالید که در آید

در معشت و هرگاه که بیاید شما همچنانکه انسان

بلکه مستعد نیست از شما رسیدن ایشان

بیماری و تنگی و جنبانند ترشان



حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ

وَأَكْسَانُكَ

بیغامین

بگفت

أَسْمَوْا مَعَهُ مَتَى نَصَرَ اللَّهُ

ط

خدا

بگرویدند یا او کی باشد باری

الْآلَاءِ نَصَرَ اللَّهُ قُرَيْبًا

نزدیک است

خدا

باری

بلانید که

يَسْأَلُكَ مَاذَا يَنْفَعُونَ قُلْ

ط

بگو

چه

برسد ترا ای محمد

مَا أَنْفَعَكُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ

ط

از

نیکی یعنی مار بس

مادر

بدر

ط

از

نیکی

یعنی مار بس

مادر

وَالْأَوَّابِينَ وَالْبِيتَانِي وَالْمَسَالِكِينَ

ط

در

ویشانرا

ط

در

ویشانرا

ط

در

ویشانرا

ط

وَأَنْتَ السَّبِيلُ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ما

تفعلوا

ط

و

ط

و

ما

تفعلوا



خَيْرَ قَاتٍ اللَّهُ بِكَ عَلِيمٌ

نیکی پس بدستی که خدای بدات داناست

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ

نهی شده شد بر شما کار زله و ان

كَرِهٌ لَّكُمْ وَعَيْبٌ أَنْ تَكُونُوا

دشوار است مر شما و شاید که دشوار دارید

شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَيْبٌ

چیزه لا و ان همترست مر شما و شاید

أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ

که دوست دارید چیزی و ان بد است مر شما

وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

و خدای بداند و شما نه دانید

يَسْأَلُكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ

ی پرسند ترا ای محمد از ماه حرام



قَاتِلْ فِيهِ قُلَّ قَاتِلْ فِيهِ

کارزار اندرو و بکولوی محمد کارزار کردی اندرو

كَيْبُ وَصَدَّ عَنْ سَبِيلِ

بویک است و باز گردانیدن از راه

اللَّهِ وَكَفَرُ بِهِ وَاطْمَحِدْ

خدای و کافر شدن بدو و مزکت

الْحَرَامِ وَاخْرُجْ أَهْلَهُ مِنْهُ

حرام و بیرون کردن کسان وی از وی

أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ

بزرگتر است نزد خدای و کافیه

أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَالْإِثْمِ

بزرگتر است از قتل و گناه

يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَكُونَ

کارزار کنند شما را تا باز گردانند شما را



عَنْ دِينِكُمْ اِنْ اَسْتَطَاعُوا  
 وَمَنْ يَزَلِكُمْ مِنْكُمْ عَنْ  
 دِينِهِ فِيمَنْ وَهُوَ كَافِرٌ  
 فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ  
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ  
 فِي النَّارِ هُمْ فِيهَا  
 خَالِدُونَ اِنَّ الذِّنْبَ

از دین شما اگر تواند  
 و هر که باز گردد از شما  
 دین خود پس همیبرد و او ناکار و پلید باشد  
 رایشانند که تباه گشت کردارهای ایشان  
 در این جهان و اندک جهان و ایشانند  
 یاسندگان آتش و دوزخ ایشانند آنرا اینجا  
 جاودانه بدینجهنم انانند



وَاتَّخَذُوا لَكُمْ نَسَبًا مَّا ظَنُّوا بِهَا خُلُقًا

وَأَكْرَبُوا بَيْنَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ بِأَيْسَارٍ بَسْ بِرَأْسِهِ شَاهِدٌ

وَاللَّهُ يَخْلُمُ السُّفْهَانَ مِنَ الْمُضِلِّينَ

وَاللَّهُ يَخْلُمُ السُّفْهَانَ مِنَ الْمُضِلِّينَ

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَغْنَيْنَاكُم مِّنَ اللَّهِ

وَأَكْرَبُوا بَيْنَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ بِأَيْسَارٍ بَسْ بِرَأْسِهِ شَاهِدٌ

عَزِيزٌ حَكِيمٌ وَلَا تَتَلَوْنَهَا

وَأَكْرَبُوا بَيْنَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ بِأَيْسَارٍ بَسْ بِرَأْسِهِ شَاهِدٌ

الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يَوْمٍ

وَأَكْرَبُوا بَيْنَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ بِأَيْسَارٍ بَسْ بِرَأْسِهِ شَاهِدٌ

وَلَا مَنَّةَ مُؤْمِنَةٍ حَتَّىٰ يَوْمٍ

وَأَكْرَبُوا بَيْنَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ بِأَيْسَارٍ بَسْ بِرَأْسِهِ شَاهِدٌ

مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْبَدْتُم مَّا

وَأَكْرَبُوا بَيْنَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ بِأَيْسَارٍ بَسْ بِرَأْسِهِ شَاهِدٌ

الْمُشْرِكِينَ



۳۱  
اَلْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يَوْمِ مِنَوٰطٍ

مردمان اینا را کین روز تا بکروند

وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ

وهرینه بنده کویله بهتر از

مُشْرِكٍ وَلَوْ اَعْجَبَكُمْ اُولٰٓئِكَ

ازاد تا کویله و آنچه خوش این مرشهار ایشانند

يَدْعُونَ اِلَى النَّارِ وَاللّٰهُ

می خوانند سوی افسردوزخ و هدایت

يَدْعُو اِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ

میخوانند سوی بهشت و آمرزش

بِآيَاتِهِۦ وَيُتَبِّعُ آيَاتِهِۦ

بفرمانوی و پیل کند نشانههای خود

لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

مردمان را تا مگر ایشان بند کین را



آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا

هجرت کردند

و آنان

بگویند

و جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

خدای

راه

الله

و جهاد کردند

أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةً

خسروی

امید دارند

ایستاد

اللَّهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بخشنده

امزگار

و خدای

خدای

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخُمْرِ

می خورند

از

می پرسیدند ترا ای

وَالْمُنِيرِ ط قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ

محمد

ط

بگوید محمد درین دو

و مقامی

كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ

مردمان را

و سوارها

بزرگ

و اشهر



وَأْتَمَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهَا

و نه این دو بزرگتر است از سودات

وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ

و می پرسند تو ای محمد چه چیز هزینه لندن

قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ

بگو ای محمد عفو همچنین بیدار کند

لِللَّهِ لَكُمْ الْآيَاتُ لَعَلَّكُمْ

خدای برای شما آیات است تا آموختن

تَتَفَكَّرُونَ فِي الدُّنْيَا

در این جهان در بینید

وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ

در این جهان و می پرسند تو ای محمد از

الْبَتَّةِ قُلْ أَصْلَحُ لَهُمْ خَيْرٌ

به بدیات بگو ای محمد خیرتری کردن



وَأَنْ تَخَاطَبُوهُمْ فَأَخَوَانَكُمْ

و اگر ایختگی دارید با ایشان بس برادرین شما اند

وَاللَّهُ يَجْلَسُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ

و خدای بداند تباہ کار را از نیکوکار

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَغْنَيْنَاكُمْ أَنْ اللَّهُ

و اگر خواهد خدای هرینه برنج افکنی که خدای

عَزِيزٌ حَكِيمٌ وَلَا تَتْلُوا

ارجمندست استوارگان و زنی مکنید

الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يَوْمٍ

زنان اینار کینده را تا آید

وَلَا مَؤْمِنَةٍ خَيْرٌ مِنْ

و هر دینه برستار که و بداند از

مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تَتْلُوا

مردان اینار کینده را و اگر چه عجیب ارد شما ای مؤمنان و زنی

المشركين



۳۱  
اَلْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يَوْمِ نَوَاطِطِ

مردان ايمان گيرنده تا بگروند

وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ

وهرينه بنده كرويله بهتر از

مُشْرِكٍ وَلَوْ اَعْجَبَكُمْ اُولَٰئِكَ

اراد تا كرويله والوجه خوش ايد مرشمال ايشا نندله

يَدْعُونَ اِلَى النَّارِ وَاللّٰهُ

ميدري خوانند سوي اسر دوزخ و خداي

يَدْعُو اِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ

ميخواند سوي بهشت وامرزش

بِآيَاتِهِ وَيُتَبِّعُ آيَاتِهِ

بفرمازوي و پيدا كند نشاي نهار خود

لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

مردمان را تا مگر ايمان بند كند



وَسَأَلُوهُ عَنِ الْهِیْضِ ط

و جب پرسند ترا ای محمد از بیه نمازی زنان

قُلْ هُوَ أَزْيٌ فَأَعْتَرِلُوا

النِّسَاءَ فِي الْهِیْضِ وَلَا تَقْرَبُوا

از زنان اند بیه نمازی و نزدیک مشغول ایشانرا

حَتَّى يَظْهَرَتْ فَإِذَا تَطَهَّرَتْ ط

فَأَتَوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ آمَنَ ط

اللَّهُ أَتَى اللَّهُ الْمَبِیْتَ ط

اللَّهُ أَتَى اللَّهُ الْمَبِیْتَ ط

اللَّهُ أَتَى اللَّهُ الْمَبِیْتَ ط

اللَّهُ أَتَى اللَّهُ الْمَبِیْتَ ط

اللَّهُ أَتَى اللَّهُ الْمَبِیْتَ ط

اللَّهُ أَتَى اللَّهُ الْمَبِیْتَ ط

اللَّهُ أَتَى اللَّهُ الْمَبِیْتَ ط

اللَّهُ أَتَى اللَّهُ الْمَبِیْتَ ط

اللَّهُ أَتَى اللَّهُ الْمَبِیْتَ ط

اللَّهُ أَتَى اللَّهُ الْمَبِیْتَ ط